

به نام اهورا مزدا



دین یا استوره های هیچ ملتی را نمیتوان جدا از بافت تاریخی آن دریافت . بنابراین لازم است برای شناخت استوره ها و باورهای کهن ایرانیان نخست تاریخ ایران را بکاویم. در گذشته ای بسیار دور اقوامی که اکنون در اروپا و ایران و هند زندگی میکنند همگی به يك گروه بزرگ تعلق داشتند که نام کنونی آنها هند و اروپایی نهاده شده است. آریاییان راهی جنوب شرقی شده و در گروههای کوچک در فلاتهای ایران و هند ساکن شدند و این زمان را به هزاره ی دوم و اول پیش از میلاد نسبت میدهند. دین قوم هندوایرانی در مجموعه ای از سرودهای باستانی هندی به نام ریگ ودا و سرودهای باستانی ایرانی به نام یشت ها حفظ شده است.

این دین بازتابی است از شیوه ی زندگی آنان که از زیبایی طبیعت لذت میبردند و در عین حال از خشم و دشمنی آشکار طبیعت در هراس بودند .خدایانشان یا به صورتهای شخصیت یافته ای از آرمانهایی مانند “راستی” اند یا پدیده هایی طبیعی چون توفان یا قهرمانان ماجراجو مانند ابیذر و کرساسب (گرشاسب) که دیوان تهدیدکننده ی بشر را نابود میکنند. با وجود تغییراتی که در باورهای اصیل این اقوام به تدریج رخ داده، هنوز میزان نفوذ این استوره ها بر آیینها و آداب و باورهایشان به خوبی مشهود است از جمله این آیینها، استوره ی آیین و نمادپردازی و مراسم مربوط به درگذشتگان و روان نیکان و بدان است. پس از درخشش دین یکتاپرستی و آیین ستایش و نیایش اهورامزدا، خداوند یگانه و هستی بخش دانا، با وجود گسترش آموزه های زرتشتی در سرتاسر این سرزمین هنوز برخی میراث گذشتگان با چندی چونی تغییرات حفظ شده و میتوان رد پای استوره های باستان این قوم را در لابه لای مراسم و آیینهای روحانیانشان یافت.

از جمله استوره های زرتشتی میتوان به استوره ی نیروی خیر و شر، استوره ی آفرینش، نخستین پدر و مادر بشر و استوره های مرگ و پایان جهان اشاره داشت که امروزه به شکل تلفیقی از باوره ی پیش زرتشتی با آموزه های دینی زرتشتی درآمده است.

زندگی پس از مرگ

پس از مرگ روان به مدت سه شب پیرامون تن میگردد . بر اساس باور به سه پایه ی دینی اندیشه و گفتار و کردار نیک ، اعتقاد است که روان در شب نخست به سخنانش در زندگی میاندیشد و به ترتیب در شب دوم به اندیشه ها و شب سوم به کرده هایش فکر خواهد کرد و این سه شب روان آرزوی یکی

شدن با تن را دارد. در این مدت دیوان آزاردهنده مدام روان را می آزارند و این سروش دادگر است که به پشتیبانی روان می شتابد. این میسر نخواهد شد مگر با نیایشها و مراسمی که بازماندگان برای درگذشته برپامیدارند. در سپیده دم روز چهارم داوری روان در برابر دیدگان مهر و سروش و رشن آغاز میگردد. گزایشی به هیچ سو نیست، نه به سوی توانگران و نه درویشان. درباره ی هرانسانی کاملاً بر پایه ی رفتار او در زمان زندگی اش داوری میشود. پس از تعیین بهشتی، دوزخی یا همیستگانی (برزخی) بودن روان، پلی به نام چینوت آشکار میشود با دو رو، برای راستکاران عریض و آسانگذر و برای بدکاران به صورت تیغه ی تیزی مانند تیغ شمشیر. گفته شده که هم بدکاران و هم راستکاران با مانی روبرو می شوند و آن رودخانه ای است که از اشکهای سوگواران درست شده است. زاری و گریه ی بیش از اندازه رودخانه را به طغیان می آورد و عبور از پل را برای روان دشوارتر میکند. زرتشتیان اینگونه است که زاری و مویه ی بیش از اندازه را نادرست می شمارند زیرا آن کار به سلامتی سوگوارکننده آسیب میرساند و به حال درگذشته نیز فایده ای ندارد. آنچه از سوی زرتشتیان مفید تر است برگزاری آیینهای درست برای درگذشته و خواندن سرودها و نیایشهای روحانی است زیرا این آیینها موجب آسایش فراوانی برای روان درگذشته و آرامش فکری ماندگان است. زرتشتیان همواره با این باور و اندیشه ی اخلاقی زندگی میکنند که مجازات روان هیچگاه ابدی نیست و تنها آرمان از هر پاداش و کیفر، بازسازی و اصلاح است. و رنج جاودانه در دوزخ نمیتواند سازنده و بازسازی کننده باشد. بدین ترتیب دوزخ روحانی زرتشتی موقتی است و در آن روان نتیجه ی کردار خود در طی زندگی را متناسب با آن دریافت میکند و با پیروزی نهایی نیکی بر بدی، هماروانان از بهشت و دوزخ و همیستگان برانگیخته شده و به سرمنزل نهایی یعنی درگاه خداوندی رسیده و با او یکی میگردند. زرتشتیان احساس میکنند که با مردگان در ارتباط اند و از آنها دعوت می کنند تا در جشنهای زندگان، نه در غم بلکه در شادیهای جمعی، “ برای شادی روان ” شرکت جویند. حتی تا چندی قبل مراسمی به نام شمع و لگتری در هنگام درگذشت فرد و در سی روز پس از درگذشت وی در روستاهای زرتشتی نشین یزد برگزار میشد و زندگان بدن درگذشته را پس از پاکیزگی باساز و دهل و کرنا به سوی دخمه یا برج خاموشان برده و پیشاپیش وی سینی بزرگ مسی تزیین شده با شمع های روشن حمل میکردند و او را با نور و سرور به سوی جایگاه ابدی اش راهنمایی میکردند و آنرا آغاز زندگی جاودان برای روان دانسته و این زندگی جدید را برای روان درگذشته جشن گرفته و به جای سوگ و شیون به شادی روحانی مبدل میکردند.

مري بوييس در كتاب بنيادهاي خيريه زرتشتيان گفته است

پس از مدت زماني که از مهمان نوازی زردشتیان ایران برخوردار بودم به خود جرات دادم تا از ایشان درباره ی احساس آنان برای مردگان بپرسم که آیا آنان هیچگاه جشنی برگزار میکنندکه همراه آن -مراسمی برای مردگان نباشد . پاسخ آنان که با شگفتی ملایمی همراه بود این بود

” البته که چنین نیست ، ما همیشه میخواهیم که مردگان در شادی هایمان شريك باشند “

اما جشنهایی در میان مراسم زرتشتیان وجود دارد که به صورت ویژه تری مرتبط با درگذشتگان است از آن جمله جشن فروردینگان(فرودگ) است که پس از آغاز نوروز سومین جشن زرتشتیان در سال جدید است.

جشن نخست، زایش پیامبر در ششم فروردین ماه،

جشن دوم که منابع تاریخی کمتر به آن پرداخته اند روز هفدهم فروردین ماه برابر با سروش روزاست که نخستین ایزدی است که مردم را به ذکر و زمزمه فراخواند . بیرونی میگوید که ایرانیان باستان به هنگام نیایشها، ناچار از خوردن خوراکی های تقدیس شده مراسم بودند از اینرو نیایش را زمزمه

میکردند یا به اصطلاح زرتشتی باج یا واژ میگرفتند . با رسیدن این جشن هوا خنک و مطبوع و آب ها گواراست و زمان خوشی و خرمی فرامیرسد که با بهار همراه است

اما سومین جشن در این ماه در روز نوزدهم از جشنهای مهمی است که آیینهای آن مرتبط باگرامیداشت روان درگذشتگان است. گویا در دوره‌های از تاریخ که سال نو با آذر ماه آغاز می شده ایام فروردگان در پایان آبان ماه قرار داشته که اینک در پایان سال بوده و این جشن نیز مرتبط با این ایام است

امروزه نیز چون گذشته در جشن فروردینگان که به پاسداشت فروشی درگذشتگان برگزار می شود زرتشتیان بر سر آرامگاه درگذشتگان رفته و در کنار موبدان به نیایشخوانی موسوم به آفرینگانو داد و دهش و روشن کردن شمع و سوزاندن بوی خوش و پذیرایی باخوراکی های ویژه می پردازند

اما دوران فروردگان که برابر است با ده روز پایانی سال، از کهن ترین جشنهای ایرانی است. در باورهای ایرانیان باستان، هر آفریده ی نیک نیرویی پیش برنده در خود نهفته دارد که پیش از زایش وی در آسمانها و همراه ایزدان و امشاسپندان است و پس از مرگ نیز از تن جدا و باهمان ویژگی نخستین، بی هیچ تأثیری از اعمال و کردار آدمی به عالم مینوی برمیگردد. این نیرو که فروهر یا فروشی است هر سال در آستانه ی آغاز سال نو به خانه ی خود باز میگردد. واژه ی فرودین نیز برگرفته از همین واژه است و بنابراین فرودین ماه فروشی ها و فروردگان جشن منسوب به آنهاست

این ایام را - که جشن گاهنبار ششم یا جشن آفرینش انسان هم در آن واقع است - در ایرانباستان در گستره ای وسیع جشن میگرفتند. این جشن که از جمله آیینهای پیشواز رفتن نوروزاست همچون روزگار گذشته در میان زرتشتیان ایران به صورت پاک کردن خانه ها، پوشیدن رخت نو و عطرآگین کردن خانه و خواندن نیایشها و سرودهای دینی برای پذیراییفروشی های درگذشتگان برگزار میشود و به نظر میرسد خانه تکانی پیش از نوروز بازمانده یهمین رسم باستانی باشد

<http://parsiandej.ir>

پارسیان دژ مرجع ایران شناسی